

مجلهٔ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی- پژوهشی، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شمارهٔ پیاپی ۱۶

ابوالفضل شاه‌علی (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، پردیس بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)^۱

دکتر اعظم استاجی (دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)^۲

دکتر علی‌علیزاده (دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)^۳

بازنمایی مفاهیم قدرت، مشروعیت و نابرابری‌های اجتماعی در گفتمان پهلوی اول در

خطاب به مردم

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بازنمایی مفاهیم قدرت، مشروعیت و نابرابری‌های اجتماعی مطرح شده از سوی ماکس وبر (۱۹۶۸) در گفتمان پهلوی اول در چارچوب دستور نقش-گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) است. پیکره پژوهش را کلیه نطق‌های رضاشاه در خطاب به مردم که شامل ۷ متن (۱۵۴ بند) است تشکیل می‌دهد. یافته‌ها حاکی از این است که سه فرایند اصلی مادی، ذهنی و رابطه‌ای نقش بسزایی در بازنمایی مفاهیم قدرت، مشروعیت و نابرابری‌های اجتماعی داشته‌اند. توزیع پر بسامد ضمیر «من» در مقابل «شما»، گفتمان را عرصه قدرت‌نمایی رضاشاه نموده است. آغازگر مبتدایی بی‌نشان نیز مسئولیت اصلی پیام مطرح در گفتمان را برعهده دارد. در تحلیل انسجام متن نیز، عناصر انسجام دستوری و واژگانی، توزیع تقریباً برابر و به عبارتی، سهم یکسان در سلاست و روانی کلام رضاشاه داشته‌اند. در این میان عامل پیوندی، عنصر حذف و ارجاع در کنار دیگر عناصر انسجام، مانع از انقطاع کلام رضاشاه در ذهن مخاطب و باعث کوتاه شدن فواصل بین پیام‌ها گشته‌اند. در پایان مشخص شد که گفتمان رضاشاه از موضع قدرت در برابر مخاطب تولید گشته، مشروعیت‌نما بوده و مولفه‌های نابرابری اجتماعی وبر در جای جای آن مشاهده می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: دستور نقش‌گرای نظام‌مند، پهلوی اول، نابرابری‌های اجتماعی، قدرت، مشروعیت.

۱. مقدمه

اصطلاح تحلیل گفتمان برای نخستین بار توسط زلیگ هریس^۱، زبان‌شناس مطرح آمریکایی، در سال ۱۹۵۲ و در مقاله‌ای به همین نام بکار گرفته شد. به اعتقاد وی، وظیفه زبان‌شناس ارائه تحلیلی صورت‌گرایانه از عناصر موجود در متن در ارتباط با یکدیگر و نه در ارتباط با سایر عناصر موجود در زبان است (هریس، ۱۹۵۲: ۱). لیکن، دیری نپایید که گروهی دیگر از پژوهش‌گران دریافتند که در تحلیل گفتمان با عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره سروکار داریم. ویدوسون^۲ (۲۰۰۰: ۱۲۶) معتقد است که برخی از وجوه موقعیتی که زبان در آن بکار گرفته می‌شود، در آفرینش معنا دخالت دارند. علاوه بر این، ون دایک^۳ (۱۹۹۷: ۱۳-۱۴) نیز خاطر نشان می‌سازد که تحلیل گفتمان تنها به بررسی وجوه صوری گفتمان از جمله نحو و واج‌شناسی نمی‌پردازد، بلکه هدف آن بررسی کارکردهای اجتماعی گفتمانی است که توسط گویشوران زبان در بافت‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف تولید می‌شود. دستور نقش‌گرای نظام‌مند^۴، به عنوان یکی از رویکردهای مطرح در تحلیل گفتمان (آلبا-ژوز، ۲۰۰۹: ۱۵)، نخستین بار توسط مایکل هلیدی^۵ در سال ۱۹۶۱ و در مقابل سنت‌های پیشین و معاصر مطرح در زبان‌شناسی و از جمله در تقابل با دیدگاه چامسکی^۶ که مهمترین نقش زبان را بیان اندیشه می‌دانست (چامسکی، ۱۹۸۵: ۴)، مطرح شد و کانون توجه خود را از صورت به انگیزه‌های اجتماعی و فرهنگی کارکرد زبان معطوف کرد و مهمترین وظیفه زبان را ایجاد ارتباط و انتقال معنا معرفی کرد (هلیدی، ۱۹۸۵: ۱۱). در حقیقت، دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، به عنوان یک رویکرد پیکره-بنیاد، در تلاش است تا کارکرد زبان را در بافت مورد بررسی قرار دهد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۵).

در ادبیات پژوهشی تحلیل گفتمان، گفتمان‌های مختلفی چون آموزشی، علمی، ادبی و سیاست‌تحلیل و بررسی شده‌اند. با این وجود، گفتمان حکام و رهبران سیاسی در خطاب به مردم کمتر مورد توجه پژوهش‌گران این حوزه مطالعاتی بوده است. حکام و رهبران سیاسی همواره

1. Zellig Harris
2. H. G Widdowson
3. Teun A. Van Dijk
4. Systemic Functional Grammar
5. M. A. K Halliday
6. Chomsky

دغدغه مشروعیت را در سر داشته‌اند؛ چراکه «کلیه حاکمیت‌ها می‌بایست برپایه یک اصل فکری مشروعیت خود را به دست آورند و حاکمیت خود را بر آن مبنای استوار سازند (فوکویاما، ۱۳۹۳: ۶۳). حاکمان همواره در تلاش برای مشروعیت‌زدایی^۱ از چهره حکومت پیشین و کسب مشروعیت از جامعه تحت حکومت خود هستند (ضیایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۷). در اینجا است که نقش پررنگ گفتمان بیشتر از هر زمانی به چشم می‌آید. رهبران سیاسی و دولت‌مردان سعی می‌کنند که با بکارگیری ساختارها و واژگان متفاوت اقدام به تحمیل ایدئولوژی^۲ خود به مخاطب، کسب قدرت (اقتدار)، بازنمایی متفاوت از نابرابری‌های اجتماعی و در نتیجه کسب مشروعیت نمایند. لذا، پژوهش حاضر درصدد است تا بر اساس دستور نقش‌گرای نظام‌مند هیلیدی-متیسن^۳ (۲۰۱۴) به بازنمایی مشروعیت^۴، قدرت^۵ (اقتدار^۶) و نابرابری‌های اجتماعی^۷ در گفتمان پهلوی اول در خطاب به مردم بپردازد. برای انجام این مهم، سوالات زیر مطرح می‌شود:

- بازنمایی قدرت (اقتدار) در گفتمان پهلوی اول در خطاب به مردم چگونه است؟
- گفتمان رضاشاه در خطاب به مردم چه الگویی را در القای ایدئولوژی و در نتیجه کسب مشروعیت یا مشروعیت‌زدایی نشان می‌دهد؟
- نابرابری‌های اجتماعی در گفتمان رضاشاه چگونه بازنمایی می‌شوند؟

۲. پیشینه پژوهش

از گذشته تاکنون، پژوهش‌های بسیاری به موضوع تحلیل گفتمان از مناظر و رویکردهای مختلف پرداخته‌اند که از جمله مهمترین مکاتب مطرح در تحلیل گفتمان می‌توان به مکاتب کاربردشناسی^۸، جامعه‌شناسی تعاملی^۹، تحلیل گفتگو^{۱۰}، نقش‌گرایی، تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل پساساختارگرایانه و غیره اشاره کرد. ویژگی مشترک همه این مکاتب فکری این است

1. Deligitimization
2. Ideology
3. Matthiessen
4. Legitimization
5. Power
6. Authority
7. Social inequalities
8. Pragmatics
9. Interactional sociolinguistics
10. Conversation analysis

که بجای تمرکز بر زبان به عنوان یک نظام انتزاعی، آن را به مثابه نظامی مبتنی بر بافت مورد مطالعه قرار می‌دهند (آلبا-ژوز، ۲۰۰۹: ۱۵). در این میان، در پژوهش حاضر با رویکردی نقش‌گرا درصدد تحلیل گفتمان رضاشاه در خطاب به مردم است. در ادامه، به بررسی برخی پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه تحلیل گفتمان، به ویژه پژوهش‌های انجام گرفته با رویکرد نقش‌گرایی پرداخته می‌شود. در نهایت نیز، به تبیین تفاوت پژوهش حاضر با دیگر مطالعات صورت گرفته در حوزه نقش‌گرایی پرداخته خواهد شد. ابتدا برخی پژوهش‌های ایرانی‌معرفی و بررسی می‌شوند.

دستجردی کاظمی (۱۳۸۸) در رساله دکتری خود به توصیف گفتار دانش‌آموزان پایه اول دبستان، براساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متیسن (۲۰۰۴) پرداخته است. این تحلیل بر پایه دو فرانش تجربی و متنی این نظریه صورت پذیرفته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که ۹۰ درصد بندهای مورد استفاده کودکان در این سن ساده بوده و در این میان دختران دو برابر پسران از بند استفاده نموده‌اند. همچنین مشخص شد که آغازگرهای تجربی، نقشی ۱۸ درصدی در فرانش متنی نمونه مورد مطالعه داشته‌اند. در نهایت پژوهشگر معتقد است که این رویکرد نظری، به خوبی می‌تواند از عهده توصیف داده‌های زبان فارسی برآمده و در مطالعات گوناگون زبان مانند گویش‌شناسی، سبک‌شناسی، گونه‌شناسی و آسیب‌شناسی زبان بکار گرفته شود. با این اوصاف، پژوهشگر با حذف فرانش بینافردی تاثیر مولفه‌هایی چون قطبیت، زمان و عنصر وجه‌نما را که هر یک در معنای کلی بند تاثیرگذار است نادیده گرفته است.

احمدی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل نقش‌گرایانه گفتمان استادان آموزش زبان انگلیسی»، با رویکرد دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی به بررسی گفتمان استادان آموزش زبان انگلیسی در محیط کلاسی پرداخته است. پژوهشگر از منظر فرانش بینافردی به تحلیل گفتمان پرداخته و در نهایت یافته‌های وی نشان از وجود رابطه معنی‌دار بین مرحله آموزش و گفتمان مورد استفاده استاد دارد. وی معتقد است استادانی در کاهش زمان اختصاص یافته به گفتمان معلم، موفق‌تر بوده‌اند که در مرحله ترغیب و بازخورد، از وجوه استفهامی بیشتر استفاده کرده‌اند. همچنین وی دریافت که بالا بودن استفاده از وجوه خبری در مراحل مختلف آموزش، رابطه مستقیمی با استاد محور بودن کلاس دارد. با این وجود، این پژوهش تاثیرات دیگر

فرانقش‌های مطرح در دستور نقش‌گرا را نادیده گرفته که بنظر می‌آید در رابطه بین معلم و شاگرد خالی از تاثیر نباشد.

پیرایش (۱۳۹۱) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، به مطالعه گفتمان متون رادیویی از منظر دستور نقش‌گرای هلیدی و بالاخص فرانقش بینافردی پرداخته است. پژوهشگر دلیل تاکید خود بر این فرانقش را رابطه بنیادین بین گوینده و مخاطب در این متون بر می‌شمارد. در حقیقت، نگاه انحصارگرایانه از منظر این فرانقش به تحلیل متون رادیویی پژوهشگر را در تبیین کامل یافته‌های خود محدود ساخته است. بنظر می‌آید نگاهی جامع از منظر دو فرانقش دیگر مطرح در این چارچوب و همچنین بررسی بازنمایی مفاهیمی چون قدرت (اقتدار) و ایدئولوژی، در رابطه بین گوینده و مخاطب در بطن این متون دستاوردهای کامل‌تری نیز می‌توانست به همراه داشته‌باشد.

دیانتی (۱۳۹۱) نیز در مطالعه‌ای به بازنمایی برخی ساخت‌های دستوری و گفتمانی در گفتار کودکان ۳ تا ۵ ساله فارسی زبان شهرستان گلپایگان، از منظر دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی پرداخته است. وی نیز تنها از منظر فرانقش تجربی کار تحلیل را انجام داده است و یافته‌های وی حاکی از این است که در فعل‌های مرکب، بالاترین بسامد به فرایند مادی اختصاص دارد. بازنمایی مفهوم سببی نیز تنها در قالب فرایند مادی بوده‌است. همچنین نتایج حاکی از آن است که درصد رخداد حذف ضمیر فاعلی در فرایندهای رفتاری بالاتر از بقیه فرایندها است.

خیرآبادی و زعفرانلو (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی زبان تبلیغات مطبوعاتی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند و تلفیق آن با الگوی پیشنهادی چئونگ^۱ (۲۰۰۴) برای آگهی‌های تجاری روزنامه‌ها پرداخته‌اند. یافته‌های حاصل از بررسی نمود مولفه‌های مطرح در الگوی پیشنهادی چئونگ (۲۰۰۴) در دستور نقش‌گرا حاکی از این است که دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی تنها به سطح متن‌های زبانی محدود نمی‌گردد و می‌توان دستاوردهای آن را در گونه‌های دیگری همچون آگهی‌های مطبوعاتی به‌کار گرفت. در واقع، تمرکز اصلی این پژوهش، بر الگوی چئونگ (۲۰۰۴) بوده‌است و دستور نقش‌گرا و فرانقش‌های مطرح در آن

ابزاری برای بازنمایی مولفه‌های مطرح در آن الگو بوده‌اند. اکنون به بررسی برخی پژوهش‌های خارجی انجام گرفته در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند می‌پردازیم.

واتلز و رادیچ-بوجانیچ^۱ (۲۰۰۷) ضمن تحلیل یک مناظره اینترنتی بر اساس رویکرد نقش‌گرای هلیدی، دریافتند که این رویکرد توصیف روشنی از قدرت پیش‌بینی مردم از معانی و مفاهیم احتمالی مورد استفاده مخاطب ارائه می‌دهد و به خوبی رابطه بین گوینده و مخاطب را تبیین می‌نماید.

الوی و باسیر^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی برخی از سخنرانی‌های اواما، در چارچوب نظریه نقش‌گرای هلیدی و در قالب ساخت‌گذرایی این نظریه پرداختند. نتایج حاکی از این است که وی با استفاده زیاد از فرایند مادی و ذهنی مردم را به سوی خود جلب می‌نمود. فرایند رابطه‌ای نیز به خوبی در خدمت ایجاد تصویری مثبت از وی در ذهن مخاطب بوده‌است. وجود عناصر موقعیتی چون دلیل و مکان به عینی‌تر شدن هرچه بیشتر گفتمان وی کمک نموده‌اند. در اینجا نیز به نظر می‌آید بررسی نقش دیگر فرانقش‌ها، در گفتمان اواما همراه با بازنمایی برخی مفاهیم مطرح در زبان‌شناسی انتقادی از جمله قدرت و ایدئولوژی، زوایای پنهان بیشتری از گفتمان سیاسی وی را روشن می‌ساخت.

نور و دیگران^۳ (۲۰۱۶) تنها به تحلیل عنصر و جهت در آخرین سخنرانی پیامبر اسلام (ص)، براساس دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی (۱۹۸۵) پرداخته‌اند. آنها دریافتند که از مجموع ۵۶ بند، ۳۲ بند خبری، ۲۲ بند امری و تنها یک بند پرسشی بوده است. آنها معتقدند که دستور نقش‌گرا ابزاری موثر در درک روابط بین‌فردی بین مشارکین در گفتمان است، ولی از تاثیر احتمالی دیگر فرانقش‌ها و مولفه‌های تاثیرگذار بر روابط بین مخاطب و گوینده غافل بوده‌اند.

پژوهش‌های مذکور، تنها بخشی از مطالعات صورت گرفته در حوزه تحلیل گفتمان در چارچوب نظریه نقش‌گرا است. مطالعات گفتمانی دیگری نیز در این چارچوب و در قالب بررسی متون آموزشی، علمی، ادبی و دینی انجام گرفته است که از جمله می‌توان به مجیدی (۱۳۹۰)، فضائلی و ابراهیمی (۱۳۹۳)، ایرانزاده و مرادی (۱۳۹۴)، بازوبندی و صحرايي

1. I. Wattles & B. Radić-Bojanić

2. S. D. Alvi & A. Baseer

3. M. Noor *et al*

(۱۳۹۴)، عرب زوزنی و دیگران (۱۳۹۵)، طباطبایی (۱۳۹۵) و غیره اشاره نمود. با این وجود، مقایسه این پژوهش‌ها جای خالی سه نکته را نمایان می‌سازد. نخست اینکه هیچکدام از مطالعات صورت گرفته به تحلیل گفتمان شخصیت‌های تاریخی نپرداخته‌اند. اهمیت این نکته زمانی مشخص می‌شود که بدانیم بافت‌ها و بسترهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی دائما در حال تغییر هستند. از آنجا که گفتمان‌ها از دل همین بافت‌ها بر می‌خیزند، لذا حامل ویژگی‌های متفاوتی با گفتمان‌های معاصر خواهند بود. اهمیت دوم، بررسی گفتمان رهبرانی است که با رویکردی غیر از مردم سالاری زمام امور را به دست گرفته‌اند. گفتمان پادشاهان که اغلب با کودتا و روش‌هایی غیر مردم سالارانه به روی کار آمده و در تلاش برای کسب مشروعیت از مردم تحت حکومت خود بوده‌اند زمینه روشنگری‌های زیادی را درباره شیوه حاکمیت حکام آن زمان فراهم می‌نماید. نکته سوم هم جای خالی تحلیل گفتمان شخصیت‌های عالی‌رتبه در موضوعات مختلف و در خطاب به مردم است. لذا بنظر منطقی می‌رسد که تحلیل گفتمان‌های موجود در بستر تاریخ، با موضوعات مختلف و از قول رهبران پادشاهانی که با نظامی غیر از انتخابات مردمی بر سر کار آمده‌اند، حامل تفاوت‌هایی با رهبران دموکراتیک و معاصر باشد. بنابراین، می‌توان گفت که نتایج این مطالعه مجال مقایسه گفتمان‌های گذشته و معاصر را در ابعاد مختلف در اختیار پژوهشگران حوزه تحلیل گفتمان قرار می‌دهد تا شاید زمینه ایجاد الگوهای گفتمانی مختلف برای دوره‌های مختلف تاریخی یک جامعه فراهم گردد.

۳. چارچوب نظری

همانطور که پیشتر نیز بیان شد، مکاتب مختلفی در حوزه تحلیل گفتمان مطرح هستند که معروف‌ترین آنها نقش‌گرایی و تحلیل گفتمان انتقادی هستند. تحلیل گفتمان انتقادی خود از رویکردهای مختلفی تشکیل شده است که اهم آنها توسط وداک^۱، فرکلایف^۲، ون دایک^۳، و لوین^۳ و کرس^۴ معرفی شده‌اند و هریک با نگاهی متفاوت به بحث تحلیل انتقادی گفتمان می‌پردازند. در طرف دیگر، نقش‌گرایی، که خود شالوده تحلیل‌های انتقادی معرفی شده از

1. R. Wodak

2. N. Fairclough

3. V. Leween

4. G. R. Kress

سوی محققین مذکور است (تنوریو، ۲۰۱۱: ۱۸۴)، یکی دیگر از روش‌های رایج در تحلیل گفتمان محسوب می‌گردد. اغلب پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه سیاست بر پایه رویکردهای انتقادی مذکور بنا نهاده شده‌اند. با این وجود، پژوهش حاضر درصدد است تا نخست با بکارگیری جدیدترین نسخه دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متیسن (۲۰۱۴) توصیف زبان‌شناختی جامع و دقیقی از متن گفتمان پهلوی اول ارائه نموده و سپس به بازنمایی مفاهیم قدرت (اقتدار)، مشروعیت و نابرابری‌های اجتماعی معرفی شده از سوی ماکس وبر^۱ (۱۹۶۸) در گفتمان وی و در چارچوب این نظریه پردازد. در ادامه مختصری پیرامون دستور نقش‌گرای هلیدی-متیسن (۲۰۱۴) و مفاهیم قدرت، مشروعیت و نابرابری‌های اجتماعی ارائه خواهد شد.

۳-۱ دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متیسن (۲۰۱۴)

نخستین جرقه‌های دستور نقش‌گرای نظام‌مند، به عنوان نحله‌ای از زبان‌شناسی نقش‌گرا، در اوایل دهه ۶۰ قرن بیستم میلادی در ذهن مایکل هلیدی زده شد. جدیدترین نسخه این دستور به نام *مقدمه‌ای بر دستور نقش‌گرا، ویرایش چهارم*^۲ در سال ۲۰۱۴ با همکاری مایکل هلیدی و کریستین متیسن^۳ زبان‌شناس معرفی شد. دستور نقش‌گرای نظام‌مند، دستوری است پیکره بنیاد که توجه ویژه‌ای به معنا دارد. منظور از نظام‌مند بودن در دستور نقش‌گرا این است که مطالعه هر بعدی از زبان مستلزم رجوع به دیگر ابعاد زبان است. در حقیقت زبان نظامی است سرشار از انتخاب‌ها که گوینده یا نویسنده با انجام انتخاب‌هایی دست به تولید متن می‌زند (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۰). در این دستور، این انتخاب‌های زبانی در قالب سه فرانتش اندیشگانی^۴، بینافردی^۵ و متنی^۶ تبیین می‌شود و با توجه به نظام‌مند بودن این دستور می‌توان اینگونه بیان کرد که نمود این سه فرانتش در لایه واژی-دستوری^۷ وجود دارد که در نهایت در لایه واج-شناسی تبدیل به یک گفتمان نوشتاری یا شفاهی می‌گردد (اگینز، ۲۰۰۴: ۵۸).

1. Max Webber
2. An Introduction to Functional Grammar, 4th edition
3. C. Matthiessen
4. Ideational
5. Interpersonal
6. Textual
7. Lexico-Grammar

فرانقش متنی در قالب ساخت آغازگر-پایان‌بخش^۱ نمود پیدا می‌نماید. بر این اساس، آغازگر بخش مهم هر بند و نقطه عزیمت پیام محسوب می‌گردد و از انواع متنی، بینافردي و مبتدای^۲ (تجربی) تشکیل شده است که از این میان تنها آغازگر مبتدایی در معنای تجربی متن دخیل است. (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۸۳-۹۱).

فرانقش بینافردي برای برقراری ارتباط و تنظیم روابط اجتماعی استفاده می‌شود. عنصر وجه^۳ بار اصلی پیام را در این فرانقش به دوش می‌کشد، و مابقی پیام را باقی‌مانده^۴ می‌گویند. مجموعه این عناصر تعامل بین تولیدکننده گفتمان و مخاطب را تشکیل می‌دهند (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۱۵۰-۲۰۰).

فرانقش تجربی به بیان تجربیات فرد از محیط و دنیای اطرافش می‌پردازد. این فرانقش در قالب شش فرایند مادی^۵، ذهنی^۶، رابطه‌ای^۷، رفتاری^۸، کلامی^۹ و وجودی^{۱۰} نمود دارد. فرایند مادی به انجام دادن کاری یا رخداد واقعی اشاره دارد. فرایند ذهنی بر احساس، اندیشه و ادراک دلالت دارد. فرایند رابطه‌ای نیز از روابط بین اشیاء و پدیده‌ها و همچنین ویژگی‌های آنها سخن می‌گوید. فرایند رفتاری به رفتارهای جسمانی و روانی افراد اشاره دارد. فرایند کلامی به کنش‌های مربوط به گفتن اشاره دارد. و در نهایت، فرایند وجودی که سهمی تقریباً سه یا چهار درصدی در هر متن دارد، اشاره به وجود داشتن و اتفاق افتادن چیزی یا کسی می‌کند. (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۰۵-۳۰۹). در مجموع، تعامل بین این فرایندهاست که «طعم» و رنگ به هر متنی می‌دهد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۰۵-۲۱۹).

انسجام^{۱۱} به مناسبات معنایی موجود در میان عناصر یک متن اشاره دارد. این مناسبات به کلام یکپارچگی و وحدت می‌بخشد و آن را به عنوان متن از مجموعه‌ای از جمله‌های جداگانه و نامربوط متمایز می‌سازد. برخی از عوامل انسجام در دستور زبان و برخی در واژگان

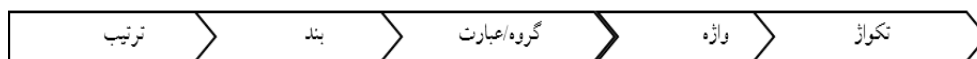
1. Thematic Structure
2. Topical
3. Mood
4. Residue
5. Material
6. Mental
7. Relational
8. Behavioral
9. Verbal
10. Existential
11. Cohesion

تحقق می‌یابند. هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) روی هم رفته ابزارهای انسجامی را عبارت می‌دانند از ارجاع^۱، حذف^۲ و جانشینی^۳، ادات پیوندی^۴، عنصر موصولی^۵، تکرار^۶، باهم‌آیی^۷، هم‌معنایی^۸، شمول معنایی^۹، هم‌شمولی^{۱۰}، استلزام معنایی^{۱۱}، تضاد^{۱۲} و عضوواژگانی^{۱۳}. ارجاع بدین معنی است که صورت‌های ارجاعی برای تفسیر به چیز دیگری قبل یا پس از خود ارجاع داده شوند. ارجاع خود بر دو نوع است: درون‌متنی^{۱۴} و برون‌متنی^{۱۵}. از بین این دو، تنها ارجاع درون‌متنی به انسجام متن کمک می‌نماید؛ به شرط اینکه، ضمیر و مرجع آن در یک بند نباشند. حذف و جانشینی عبارتند از وضعیتی که در آن یک عنصر به خاطر اینکه قبلاً در متن ذکر شده است، یا حذف می‌شود و یا عنصری جایگزین آن می‌شود. عنصر محذوف ممکن است اسم، فعل یا جمله باشد. ادات پیوندی نیز رابطه منطقی-معنایی^{۱۶} میان بندهای موجود در متن را نشان می‌دهند. عنصر موصولی نیز عبارت است از ضمائر موصولی بکار گرفته شده در متن که باعث افزایش انسجام می‌شوند. تکرار به تکرار عینی و بدون تغییر یک واژه در متن گفته می‌شود. سالکی (۱۹۹۵) (به نقل از نعمتی قزوینی و ایشانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹) معتقد است که هر نوع تکراری انسجامی محسوب نمی‌شود. به اعتقاد وی تنها تکرار واژه‌های متنی^{۱۷} و نه واژه‌های دستوری^{۱۸} باعث انسجام متن می‌گردند. هم‌معنایی نیز عبارت است از انتخاب واژه‌ای که با واژه پیش از خود دارای رابطه هم‌معنایی باشد. شمول معنایی به رابطه‌ای اشاره می‌کند که در آن یکی از واژه‌ها به یک طبقه واژگانی اشاره می‌کند و دیگری زیرطبقه‌ای از آن محسوب می‌-

1. Reference
2. Ellipsis
3. Substitution
4. Conjunction
5. Wh-element
6. Repetition
7. Collocation
8. Synonymy
9. Hyponymy
10. Co-Hyponymy
11. Entailment
12. Antonym
13. Meronymy
14. Endophoric
15. Exophoric
16. Logico-semantic
17. Content Words
18. Function words

شود. هم‌شمولی نیز به رابطه‌ای گفته می‌شود که طی آن دو واژه هم‌عرض با یکدیگر، زیرطبقه واژه‌ای دیگر باشند. **عضوواژگانی** همانند رابطه شمول‌معنایی که طی آن واژه‌ای «نوعی از...» واژه دیگر محسوب می‌شد، بر اساس آن واژه‌ای «عضوی از...» واژه دیگر محسوب می‌گردد. **باهم‌آیی** بر اساس «تمایل به با یکدیگر آمدن» در میان واژه‌ها تعریف می‌شود و استفاده از آن باعث انسجام در متن می‌گردد. (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۶۱۱-۶۴۹). **استلزام‌معنایی** بدین معنی است که تحقق مفهوم یک جمله مستلزم تحقق مفهوم جمله دیگری باشد. به عبارت ساده‌تر اگر جمله‌ای به وقوع پیوسته باشد، جمله دیگری نیز به وقوع پیوسته است (لاینز، ۱۳۹۱، ۱۹۰). **تضاد معنایی** نیز به رابطه متضاد بین واژه‌های یک متن اطلاق می‌گردد. در ادامه انگاره‌ای از دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متیسن (۲۰۱۴) ارائه شده است.

دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متیسن (۲۰۱۴)										
شیوه					حوزه	فحوا	بافت			
انسجام			فراشش متنی		فراشش تجربی		معنی شناسی	فراشش بینافردی		
واژگانی		دستوری			ساخت آغازگر-پایان بخش			ساخت گذرایی		واژی-دستور
هم‌تراذف	شمول‌ی	تضاد	تکرار	عصر موصول‌ی	ارجاع		مرکب		ساده	واج شناسی
شمول معنایی		عضو	استلزام	باهم‌آیی	پیوند	حذف	موضوعی		متنی	بینافردی
				فرآیند	آزوده‌حاشیه‌ای	مشارک	تداوم‌ی	رابطی	آزوده‌پیوند	ندایی
				فرآیند			وجه‌نما	زمان‌دار		



انگاره ۱ دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متیسن (۲۰۱۴)^۱

۱. انگاره شماره ۱ توسط پژوهشگر ترسیم شده و در متن اصلی کتاب هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) ذکر نشده است.

۳. ۱. قدرت و اقتدار

وبر از نخستین جامعه شناسانی است که به بحث قدرت و اقتدار به شکل علمی و مدون پرداخته است. وی قدرت را با مؤلفه زور توضیح می‌دهد و عامل لازم برای بقای آن را مشروعیت ذکر می‌کند آن‌چنان که بدون حداقلی از مشروعیت هیچ قدرتی پروام نخواهد بود. قدرت مشروع قدرتی است که از سوگیری‌هایش استقبال می‌شود، رهنمودهایش مورد موافقت قرار می‌گیرد و یا دست کم مخاطبانش از آن تبعیت می‌کنند. این تمکین ارادی یک وجه قانونی و اخلاق جمعی به قدرت می‌دهد که سلطه‌گر و تحت سلطه را در یک رابطه دوجانبه قرار می‌دهد. وی معتقد است اقتدار متضمن تمایل بی قید و شرط زبردست به اطاعت است (وبر، ۱۹۶۸: ۳۷-۴۵). به عبارت دیگر، قدرت از بالا به پایین است؛ در حالی که اقتدار از جهت پایین به بالا برخوردار بوده و این زبردستان هستند که با پذیرش اختیار و اطاعت از آن به قدرت افراد فرادست مشروعیت می‌بخشند (رستمی، ۱۳۸۲).

۳. ۲. مشروعیت

واژه مشروعیت دارای ریشه لاتین و به معنی قانون - گرفته است، ولی، دامنه وسیع‌تری از قانون دارد؛ زیرا امر مشروع باید منطبق با نظر مردم و عدالت و انصاف باشد (حاجیانی و پاک سرشت، ۱۳۸۷: ۵۱). وبر (۱۹۶۸: ۲۱۲-۳۰۱) به سه نوع مشروعیت اشاره کرده است: مشروعیت سنتی، مشروعیت قانونی - عقلانی و مشروعیت کارزماتیک. در مشروعیت سنتی توجیه اقتدار بر مبنای آداب و سنت‌های گذشته، در مشروعیت کارزماتیک ویژگی‌های استثنایی رهبر و در مشروعیت قانونی و عقلانی، مقررات دیوان‌سالاری و قوانین رسمی این نیاز را تأمین می‌کند. اگر حکمرانان نتوانند تسلط خود را به یکی از سه طریق یادشده توجیه کنند، وسایل نابودیشان فراهم شده و در صورت تداوم مشروعیت نداشتن ممکن است سرنگون شوند و نوع اقتدار عوض شود. براساس آنچه وبر بیان کرده، مشروعیت سنتی ممکن است وراثتی باشد؛ مانند مشروعیت سلطنت در یک خانوادهٔ معین و ممکن است بر اساس آداب و رسوم قبیله‌ای باشد؛ مثل آنچه در بین عشایر مرسوم است که بزرگ قبیله حاکم قبیله باشد. مشروعیت کارزماتیک ناشی از استعدادها و قابلیت‌های فرد است که قضاوت عمومی جامعه بر این قرار می‌گیرد که کاریزما (کسی که محبوب مردم شده است)، حق اقتدار و اعمال

حاکمیت دارد. مشروعیت عقلانی، قانونی ناشی از پیشرفت جامعه مدنی است که با سازوکارهای انتخاباتی و آرای اکثریت تحقق می‌یابد (ولدبیگی، ۱۳۸۹: ۵۵).

۳.۳. ایدئولوژی

ون‌دایک (۲۰۰۰: ۴) واژه «باور» را از روانشناسی وام می‌گیرد و ایدئولوژی را به منزله «نظام باورها» تعریف می‌کند. از نظر او، ایدئولوژی دو صورت مثبت و منفی دارد: زمانیکه ایدئولوژی ساز و کاری است برای مشروعیت‌بخشی به سلطه، منفی تلقی می‌شود و وقتی ایدئولوژی برای مشروعیت‌بخشیدن به مقاومت در برابر سلطه و نابرابری‌های اجتماعی کاربرد می‌یابد، مثبت تلقی می‌شود. ایدئولوژی، مبنای کردارهای اجتماعی است. یکی از کردارهای اجتماعی‌ای که به شدت تحت تأثیر ایدئولوژی قرار دارد، کاربرد زبان و گفتمان است؛ البته کاربرد زبان و گفتمان نیز بر چگونگی کسب، یادگیری و تغییر ایدئولوژی مؤثر است.

۳.۴. نابرابری‌های اجتماعی

نابرابری یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است. از نظر وبر نابرابری اجتماعی در رابطه اجتماعی منعکس است. وی معتقد است که در هر رابطه اجتماعی دو یا چند نفر در رفتاری مشارکت داشته و در آن چارچوب هریک به سهم خود از مقبولیت برخوردار است؛ در نتیجه رفتار مذکور بر همین اساس جهت‌گیری می‌شود. این رابطه می‌تواند انجام، انکار و یا طفره رفتن از یک قرارداد و همچنین رقابت اقتصادی یا عشقی و یا هر نوع دیگری از رقابت و نیز تقسیم مناصب یا عضویت در یک طبقه یا ملت را در برگیرد. لذا، از نظر وبر نابرابری نوعی از محتوای رابطه اجتماعی است که تماماً عبارت از این احتمال است که افراد به طریقی قابل تعیین و معنادار و بر مبنای درک تطبیقی، به صورتی تفاوت‌گذار و تبعیضی رفتار خواهند کرد (وبر، ۱۹۶۸، به نقل از زاهدی، ۱۳۸۵).

۴. روش تحقیق

پیکره پژوهش حاضر شامل سخنرانی‌ها و نطق‌های رضاشاه پهلوی در خطاب به مردم می‌شود. از آنجاکه تعداد زیادی از این سخنرانی‌ها در دست نیست (فردوست، ۱۳۶۹)، لذا، با استفاده از شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای، کلیه سخنرانی‌ها و نطق‌های کامل و موجود از وی که به گونه‌ای مخاطب آن‌ها عامه مردم بوده‌اند (۷ متن) جمع‌آوری گردید. این سخنرانی‌ها عبارتند از

اعلامیه رسمی به مردم خوزستان (یادداشت های رضا شاه در زمان ریاست الوزرائی و فرماندهی کل قوا، ۱۳۵۰: ۱۱۱-۱۱۳)، سخنرانی رضاشاه بعد از کودتای ۱۲۹۹ (ناسیونالیسم ایرانی و رضاشاه، ۱۳۷۵، فرهنگ و توسعه، شماره ۲۳)، حکم می‌کنم (تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، محمد تقی بهار، ۱۳۵۷: ۸۶)، سخنرانی رضاشاه در روز صدور فرمان کشف حجاب (ظهور و سقوط پهلوی، فردوست، ۱۳۶۹)، استعفانامه رضاشاه (مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی^۱)، فرمان رضاشاه به مناسبت انتخابات ششمین مجلس شورای ملی (تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، امیرطهماسب، ۱۳۵۷: ۳۹۶)، سخنرانی رضاشاه در مراسم تاجگذاری (تاریخ بیست ساله ایران، مکی، ۱۳۶۳/ج ۱۴: ۱۵).

برای پاسخ به سؤالات پژوهش حاضر، از رویکردی تلفیقی بهره گرفته شد. نخست، کلیه ۱۵۴ بند موجود در متون مذکور در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی-متیسن (۲۰۱۴) مورد توصیف زبانشناختی قرار گرفت و توزیع فراوانی و درصد مربوط به هر بخش از توصیف در قالب جداولی ارائه گردید. سپس، پژوهشگر درصدد تحلیل بازنمود مفاهیم قدرت (اقتدار)، مشروعیت و نابرابری‌های اجتماعی در متن گفتمان پهلوی اول در خطاب به مردم بر آمده است. در گام آخر، به سؤالات پژوهش پاسخ داده شده است.

۵. تحلیل داده‌ها

رضاشاه پهلوی به مدت ۱۶ سال در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ بر ایران حکومت کرد. وی از لحاظ شخصیتی فردی مستبد و خودرایی، تجددگرا، دین‌گریز و اسلام‌زدا، ثروت‌اندوز، فحاش و بی‌سواد و بسیار بدبین معرفی شده است (سعیدی، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران^۲). در ادامه به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده براساس چارچوب نظری پژوهش پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است که به جهت اختصار در کلام، تنها برخی از بندهای نطق‌های رضاشاه به عنوان نمونه در حین تحلیل ذکر می‌شوند.

1. www.cgie.org.ir/fa/news/25020

2. www.iihs.ir/s/666

۵. ۱. تحلیل گفتمان رضاشاه بر اساس فرانش تجربی

ساخت گذرایی و فرایندهای موجود در آن فرصت تجربه‌ای متفاوت از جهان را به مشارک می‌دهند (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۱۴). در ادامه توزیع فراوانی و درصد فرایندهای موجود در گفتمان رضاشاه را در جدول شماره ۱ ارائه می‌شود:

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد فرایندهای موجود در گفتمان رضاشاه در خطاب به مردم

تعداد کل درصد	رابطه‌ای	مادی	ذهنی	کلامی	رفتاری	وجودی
۱۵۴	۵۶	۵۱	۳۰	۱۱	۶	۰
%۱۰۰	%۳۶,۳۶	%۳۳,۱۲	%۱۹,۴۸	%۷,۱۴	%۳,۹۰	%۰

نکته قابل توجه سهم تقریباً ۹۰ درصدی سه فرایند اصلی مادی، ذهنی و رابطه‌ای در این سخنرانی است. فرایند رابطه‌ای بیش از یک‌سوم فرایندها را به خود اختصاص داده‌است. به‌عنوان نمونه به مثال‌های زیر توجه کنید:

۱- شما خواهران و دختران من تربیت کننده نسل آینده خواهید بود (سخنرانی رضاشاه در روز صدور فرمان کشف حجاب (ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، فردوست، ۱۳۶۹)).

۲- عمال دولت باید سرمشق حسن عمل، صراحت اخلاق و استقامت رای باشند (سخنرانی رضاشاه در مراسم تاجگذاری (تاریخ بیست ساله ایران، مکی، ۱۳۶۳/ج ۱۴: ۱۵)).

۳- مقدرات مملکت و رفاه و آسایش عمومی مربوط به حسن انتخاب و برگزیدن عناصر صالحه است (فرمان رضاشاه به مناسب انتخابات ششمین مجلس شورای ملی (تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، امیرطهماسب، ۱۳۵۷: ۳۹۶)).

تحلیل‌ها نشان می‌دهند که فرایند رابطه‌ای بیشتر در قالب افعالی چون «بودن» و «شدن» برای توصیف ویژگی‌ها، مقایسه وضعیت گذشته و آن زمان جامعه در موضوعات مختلف و همچنین خاطر نشان ساختن برخی مسائل اجتماعی و حکومتی به عموم بکار گرفته شده‌است.

در جایگاه بعد، فرایند مادی، با اختلافی کم و با ۵۱ مورد قرار دارد. این فرایند به عنوان فرایند انجام دادن، انتخابی مناسب برای نطق‌ها است، چراکه به روشنی در انتقال دستاوردهای

دولت، فعالیت‌های فعلی و امور آتی آن در وجوه مختلف داخلی و خارجی بکار گرفته می‌شود (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۲۲۰). به موارد زیر توجه نمایید:

۴- حکومتی که برای زینت و تجمل معدودی بدبختی مملکت را تجویز نماید (سخنرانی رضاشاه بعد از کودتای ۱۲۹۹ (ناسیونالیسم ایرانی و رضاشاه، ۱۳۷۵، فرهنگ و توسعه، شماره ۲۳)).

۵- کسی از پیروان خزعل را راه و پناه ندهند... از خزعلیها دوری جویند... (اعلامیه رسمی به مردم خوزستان (یادداشت‌های رضا شاه در زمان ریاست الوزرائی و فرماندهی کل قوا، ۱۳۵۰: ۱۱۱-۱۱۳)).

۶- یک قوه و بنیه جوان‌تری... اسباب سعادت و رزوی ملت را فراهم نماید... (استغفانامه رضاشاه (مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی)).

بر اساس آنچه که در تعریف فرایند مادی در بالا گفته شد، فرایندهای مادی بکارگرفته شده در گفتمان پهلوی اول، مجموعه‌ای از تعاملات بین کنش‌گرهای «من»، «ما»، «حکومت»، «شما»، «خائنین» و «عمال دولت و نمایندگان» است. «فراهم کردن اسباب سعادت مردم»، «تجویز بدبختی»، «دوری جستن و پناه ندادن به خائنین»، «آماده شدن برای انجام امور»، «اجرای به موقع فرامین» و «استفاده از فرصت‌های موجود» همگی آنچه‌انکه در هلیدی و متیسن (۲۰۱۴: ۲۵۹) آمده است تجربه مشارکین گفتمان از دنیای مادی ای که در آن با یکدیگر تعامل دارند، را نشان می‌دهند.

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که فرایند ذهنی در رتبه سوم فرایندهای ساخت‌گذرای گفتمان پهلوی اول قرار دارد. حال به نمونه‌های زیر دقت کنید:

۷-...مردم فقط صلاح کشور و وطن را در نظر گرفته... (حکم می‌کنم (تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران محمد تقی بهار، ۱۳۵۷: ۸۶)).

۸- این دستور اساسی را سرلوحه امور خود تشخیص دهند... (سخنرانی رضاشاه در مراسم تاجگذاری (تاریخ بیست ساله ایران، مکی، ۱۳۶۳/ج ۱۴: ۱۵)).

تحلیل‌ها حاکی از این است که برخلاف هلیدی و متیسن (۲۰۱۴: ۲۴۸) که معتقدند فاعل بند حاوی فرایند ذهنی را اغلب ضمیر «من» تشکیل می‌دهد، در می‌یابیم که در گفتمان رضاشاه مخاطب بیشتر از گوینده در جایگاه فاعل قرار گرفته است. همچنین، بکارگیری عبارات فعلی

نظیر «بدانند...»، «در نظر گرفته شود...» و «پی ببرند...» نشان از تلاش رضاشاه برای آگاه ساختن مخاطب از دنیای درون ذهن خود دارد.

فرایند کلامی نیز سهمی ۷,۱۴ درصدی در ساخت گذرایی دارد. برای نمونه:

۹- نیت خود را در اجرای اصلاحات اساسی مملکت خاطر نشان عموم نمایم (سخنرانی رضاشاه در مراسم تاجگذاری (تاریخ بیست ساله ایران، مکی، ۱۳۶۳/ج ۱۴: ۱۵)).

۱۰- من حکم می‌کنم که مردم فقط صلاح کشور و امور را در نظر گرفته... (اعلامیه رسمی به مردم خوزستان (یادداشت های رضا شاه در زمان ریاست الوزرائی و فرماندهی کل قوا، ۱۳۵۰: ۱۱۱-۱۱۳)).

تحلیل این سخنرانی‌ها از منظر فرایند کلامی نیز حاکی از این است که رضاشاه با استفاده از افعالی چون «اعلام کردن»، «حکم کردن» و «خاطر نشان کردن» به بیان خواسته‌ها و اوامر خود از مخاطب می‌پردازد.

فرایند رفتاری نیز همانند همه متون سهمی بسیار اندک در مجموع این سخنرانی‌ها دارد. در دو سخنرانی یکی برای بیان احترام به مردم و در دیگری برای قید شرط آسایش و رفاه مردم مورد استفاده قرار گرفته است. فرایند وجودی نیز در گفتمان رضاشاه جایی نداشته است.

۲.۵. تحلیل گفتمان رضاشاه بر اساس فرانش بینافرادی

فاعل در دستور نقش گرا و در ساختار عنصر وجه، تعریفی متفاوت از تعریف سنتی آن دارد؛ بدین ترتیب که فاعل را جزئی از بند می‌داند که مسئولیت اعتبار ۱ ادعای مطروحه در بند را بر عهده می‌گیرد (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۱۴۵). بررسی‌ها حاکی از این است که ضمیر «من» با ۳۵ مورد، چه به صورت آشکار و چه به صورت محذوف، بیشترین بسامد را در بین دیگر فاعل‌ها داشته است و به عبارتی می‌توان آن را فاعل گفتمان رضاشاه برشمرد. در برابر «من» نیز ضمیر «شما» به همراه گروه‌های اسمی نظیر «زنان و بانوان»، «عمال دولت و مسئولین حکومتی» و «مردم خوزستان» که همگی به مخاطب اشاره می‌کنند، بارها و بارها در مقابل «من» به عنوان مجری خواسته، انتظارات و اوامر مطرح شده در بندها نشان داده شده‌اند. «قشون» نیز جایگاه ویژه‌ای در میان فاعل‌ها داشته‌است و به عنوان منجی و عامل برقراری نظم و امنیت در

جامعه، معرفی شده که این حجم توجه رضاشاه به «قشون» بی‌ارتباط به روحیه نظامی‌گری وی نیست، بطوریکه در جایی می‌گوید:

۱۱-...تمام شما را به منزله خود قشون و برادران من دانسته... (اعلامیه رسمی به مردم خوزستان (یادداشت های رضا شاه در زمان ریاست الوزرائی و فرماندهی کل قوا، ۱۳۵۰: ۱۱۱-۱۱۳)).

جدول ۲ توزیع زمان‌های دستوری را به عنوان یکی دیگر از موارد مطرح در ساختمان عنصر وجه نشان می‌دهد:

جدول ۲. توزیع زمان‌های دستوری در گفتمان رضاشاه در خطاب به مردم

تعداد کل درصد	مضارع التزامی	حال ساده	ماضی نقلی	گذشته ساده	آینده ساده
۱۵۴	۶۲	۴۵	۲۱	۱۵	۱۱
%۱۰۰	%۴۰	%۲۹	%۱۴	%۱۰	%۷

همانطور که ملاحظه می‌شود، مضارع التزامی بیشترین فراوانی را در میان زمان‌های دستوری دارد. ارزشنگ و صادقی (۱۳۶۱: ۶-۷) معتقدند که فعل التزامی انجام عملی را ممکن یا محتمل یا مشروط می‌داند، این وجه معانی دعا، امید، آرزو، میل، فرمان، توصیه و خواهش را بیان می‌دارد. به چند نمونه زیر از گفتمان رضاشاه توجه نمایید:

۱۲- ما نباید فراموش کنیم که نصف ملت ما به حساب نمی‌آمد... (سخنرانی رضاشاه در روز صدور فرمان کشف حجاب (ظهور و سقوط پهلوی، فردوست، ۱۳۶۹)).

۱۳-... و همه بدانند پیشرفت هیچ مقصودی و انجام هیچ مرامی ممکن و میسر نخواهد شد مگر در سایه... (سخنرانی رضاشاه در مراسم تاجگذاری (تاریخ بیست ساله ایران، مکی، ۱۳۶۳/ ج ۱۴: ۱۵)).

۱۴- وزارت داخله موجبات اجرای اوامر ملوکانه را سریعاً فراهم نماید... (فرمان رضاشاه به مناسب انتخابات ششمین مجلس شورای ملی (تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، امیرطهماسب، ۱۳۵۷: ۳۹۶)).

همسوی با آنچه که ارزشنگ و صادقی در بحث التزام مطرح کرده‌اند، تحلیل نمونه‌های بالا در کنار سایر موارد التزامی بکار رفته در پیکره پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان رضاشاه در کنار بیان توصیه‌ها و امیال خود، در اغلب موارد به بیان «فرامین» خود از مردم و مسئولین

اختصاص داشته است و به عبارتی گفتمان وی رنگ و بوی التزامی به خود گرفته است. در ادامه و در تشریح وضعیت حال مملکت و مقایسه آن با دوران پیش از حکومت رضاشاه، حدود نیمی از بندهای پیکره دارای زمان حال و گذشته ساده هستند. این حجم استفاده از زمان‌های گذشته و حال در مقابل تنها ۱۱ مورد استفاده از زمان آینده می‌تواند نشان از توجه کمتر رضاشاه به وضعیت آتی جامعه در گفتمان خود با مردم داشته باشد.

در بحث قطبیت نیز، هلیدی و جیمز (۱۹۹۳، به نقل از هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۱۷۳) معتقدند در هر گفتمانی به طور معمول تعداد بندهای مثبت ده برابر بندهای منفی هستند. در گفتمان رضاشاه نیز، از ۱۵۴ بند تعداد ۲۱ بند دارای قطبیت منفی هستند. بند مثبت حالت بی‌نشان دارد لیکن بند منفی با اضافه شدن عنصری منفی‌ساز تشکیل شده و نشان‌دار است (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۱۷۳). با توجه به نمونه‌های زیر:

۱۵- ما نباید فراموش کنیم که نصف ملت ما به حساب نمی‌آید (سخنرانی رضاشاه در روز صدور فرمان کشف حجاب (ظهور و سقوط پهلوی، فردوست، ۱۳۶۹)).

۱۶- حکومتی که که بیت المال مسلمین را مرکز شقاوت‌ها، کانون مظالم و قساوت نسازد (سخنرانی رضاشاه بعد از کودتای ۱۲۹۹) (ناسیونالیسم ایرانی و رضاشاه، ۱۳۷۵، فرهنگ و توسعه، شماره ۲۳)).

۱۷- قشون دولت با هیچ یک از شما طرفیت ندارد زیرا من شما را مقصر نمی‌دانم (اعلامیه رسمی به مردم خوزستان (یادداشت‌های رضا شاه در زمان ریاست‌الوزرائی و فرماندهی کل قوا، ۱۳۵۰: ۱۱۱-۱۱۳)).

گفتمان رضاشاه نشان می‌دهد که قطبیت منفی جهت یادآوری قصورات صورت‌گرفته در حق زنان در گذشته، افشاگری درباره وضعیت نامساعد جامعه در آن دوران و ایجاد اطمینان خاطر و مصونیت در مردم در برابر حکومت وی بکارگرفته شده است.

رضاشاه در هیچ جای گفتمانش از عناصر شک و تردید استفاده نکرده است و در عوض در موارد مختلف با استفاده از زمان مضارع التزامی، قیدهایی مانند «هیچگاه»، «هیچوقت»، «بلااستثنا»، «بطور قطع و یقین» و «همیشه» و یا افعال کمکی «باید» و «نباید» و یا عباراتی نظیر «لازم می‌دانم...» درجه بالایی از اطمینان خود از گفته‌اش و اهمیت آن برای خود را به مخاطب گوشزد می‌کند.

۵. ۳. تحلیل گفتمان رضاشاه بر اساس فرانش متن

فرانش متن در قالب ساخت آغازگر-پایان بخش مکملی برای دو فرانش تجربی و بینافردی بوده و متن را به مثابه یک پیام معرفی می‌کند (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۸۷). در ادامه توزیع ۲۲۵ عدد از انواع آغازگرها در گفتمان رضاشاه ارائه می‌گردد:

جدول ۳. توزیع انواع آغازگرها در گفتمان رضاشاه در خطاب به مردم

تعداد کل درصد	آغازگر موضوعی	آغازگر ربطی	آغازگر افزوده پیوندی	آغازگر وجه نما	آغازگر ندایی	آغازگر زمان‌دار	آغازگر تداومی
۲۲۵	۱۵۱	۴۲	۲۳	۷	۲	۰	۰
%۱۰۰	%۶۷,۱۲	%۱۸,۶۶	%۱۰,۲۲	%۳,۱۲	%۰,۸۸	%۰	%۰

همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد ۶۷,۱۲٪ (۱۵۱ مورد) از آغازگرها موضوعی بوده که از این میان ۹۰,۷۳٪ بی‌نشان و ۹,۲۷٪ نشان‌دار هستند. برای نمونه:

۱۸- *من از خداوند جلت عظمته بینایی و موفقیت اهالی را در این امر مسئلت نموده... (فرمان رضاشاه به مناسبت انتخابات ششمین مجلس شورای ملی (تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، امیرطهماسب، ۱۳۵۷: ۳۹۶)).*

دو آغازگر متنی ربطی و افزوده پیوندی نیز جمعا ۲۸,۸۸٪ از آغازگرها را تشکیل می‌دهند که این به انسجام بیشتر متن کمک می‌نماید. تامپسون^۱ (۲۰۰۴: ۱۴۱-۱۴۲) معتقد است که دلایل مختلفی برای انتخاب سازه‌ای به عنوان آغازگر پیام وجود دارد. وی معتقد است آغازگرهای متنی باعث انسجام هر چه بیشتر متن می‌شوند؛ بنابراین، آغازگرهای ربطی و افزوده پیوندی نظیر *و*، *همچنین* و *اما* به کرات در گفتمان دیده می‌شوند.

تعیین یا تغییر چارچوب نیز، از دیگر عواملی است که به تفسیر بند و بندهای بعدی و در کل به پیوستگی متن کمک می‌نماید (تامپسون، ۲۰۰۴: ۱۴۱). این تغییر چارچوب به شکل استفاده از آغازگر نشان‌دار صورت می‌پذیرد؛ یعنی آغازگری به جز آغازگر تجربی در جایگاه آغازگری بند بکار گرفته شود. به عنوان نمونه:

1. Thompson

۱۹-...و باید انتخابات مجلس ششم زودتر شروع گردیده... (فرمان رضاشاه به مناسب انتخابات ششمین مجلس شورای ملی (تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، امیرطهماسب، ۱۳۵۷: ۳۹۶)).

همانطور که مشاهده می‌شود، «باید» در جایگاه ابتدای جمله نقش آغازگر نشان‌دار را ایفا می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد هرچاکه نیاز به تاکید بر روی موقعیتی خاص و یا انجام خواسته و رفع انتظاری ویژه بوده، تغییر چارچوب و به‌کارگیری آغازگر نشان‌دار- همانند آنچه در مثال شماره ۱۹ دیده می‌شود - اتفاق افتاده است. تغییر ساخت بند از معلوم به مجهول نیز، از دیگر تغییرات چارچوبی است که می‌تواند به پیوستگی بیشتر متن کمک نماید. دبیر مقدم (۱۳۶۴) و مشکوة‌الدینی (۱۳۸۴) معتقدند که ساخت مجهول تقریباً به ساخت‌های تشکیل شده از اسم مفعول و فعل کمکی «شدن» محدود می‌گردد. برای نمونه:

۲۰-...بروز این نیت هم دستور جامعی برای دولت‌های من شناخته شود... (سخنرانی رضاشاه در مراسم تاجگذاری (تاریخ بیست ساله ایران، مکی، ۱۳۶۳/ ج ۱۴: ۱۵)).

همانطور که در نمونه بالا مشاهده می‌شود، گاهی اوقات بدون نیاز به استفاده از آغازگر نشان‌دار تنها با تغییر وجه جمله از معلوم به مجهول مسئولیت پیام بر عهده مفعول بند گذاشته شده است.

۵-۴ تحلیل عنصر انسجام در گفتمان رضاشاه

انسجام عبارت است از نظام‌های واژی-دستوری که ریشه در فرانش متنی دارند (هلیدی و متیسن، ۲۰۱۴: ۶۰۳). نتایج تحلیل عناصر واژی-دستوری دخیل در انسجام گفتمان رضاشاه در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴. توزیع عوامل انسجام در گفتمان رضاشاه در خطاب به مردم

تعداد کل	درصد	پیوندی	بهم‌آیی	حذف	تکرار	که-موصولی	ارجاع انسجامی	ترادف	عضو واژگانی	شمول معنایی	هم شمولی	تضاد	استنزام
۴۶۵		۸۵	۶۸	۶۵	۶۰	۵۲	۴۴	۴۰	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۵
٪۱۰۰		٪۱۸,۲۷	٪۱۴,۶۳	٪۱۳,۹۷	٪۱۲,۹۰	٪۱۱,۱۸	٪۹,۴۶	٪۸,۶۰	٪۲,۷۹	٪۲,۵۸	٪۲,۳۶	٪۲,۱۵	٪۱,۰۷

از مجموع ۴۶۵ مورد عامل انسجامی مشاهده شده در گفتمان رضاشاه در خطاب به مردم، جدول ۴ حاکی از این است که عامل پیوندی با ۱۸,۲۷٪ (۸۵ مورد) بیشترین سهم را در انسجام گفتمان رضاشاه ایفا نموده است. از آنجاکه عامل پیوندی به تولیدکننده گفتمان کمک می‌کند، رشته کلام را در ذهن مخاطب حفظ نموده؛ بنابراین، می‌توان گفت که ابزار پیوند باعث افزایش انسجام این گفتمان شده است. پس از آن هم، با هم آیی‌ها با ۶۸ مورد در جایگاه دوم قرار گرفته‌اند. در ۱۳,۹۷٪ از موارد نیز حذف عواملی که در قسمت‌های دیگر گفتمان بیان شده‌اند، بر پیوستگی بیشتر کلام رضاشاه افزوده است. تکرار نیز که از دید هلیدی و متیسن (۲۰۱۴: ۶۴۴) بارزترین حالت انسجام واژگانی است، در کلمات بسیاری چون «من»، «ما»، «شما»، «قشون»، «دولت»، «مردم»، «حکومت» و ۵۳ مورد دیگر از کلمات جلوه نموده و نشان از تاکید رضاشاه بر حفظ پیام موجود در گفتمانش دارد. تامپسون (۲۰۰۴: ۱۵۸) معتقد است که ارجاع کمتر از تکرار واژگانی در انسجام متن دخیل است. ۹,۴۶٪ از بار انسجام متن، بر عهده عنصر ارجاع است. مجموعه‌ای از ضمائر شخصی، مشترک، ملکی، اشاره و مبهم نقشی تقریباً ده درصدی در انسجام گفتمان رضاشاه داشته‌اند. مقایسه ترادف و تضاد هم نشان از تمایل بیشتر رضاشاه به کاربرد روابط هم‌معنایی (۴۰ مورد)، نسبت به روابط تضاد معنایی (۱۰ مورد) دارد. عضو واژگانی (۱۳ مورد)، شمول معنایی (۱۲ مورد) و هم‌شمولی (۱۱ مورد) بیش از تضاد و تنها استلزام معنایی (۵ مورد) کمتر از آن در ایجاد انسجام متن نقش داشته‌اند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

پس از ارائه نتایج حاصل از تحلیل پیکره، پاسخ هر یک از سؤالات پژوهش براساس چارچوب نظری تحقیق ارائه می‌گردد.

- بازنمایی قدرت (اقتدار) در گفتمان پهلوی اول

همانطور که آمار و ارقام نشان داد، فرایندهای رابطه‌ای و مادی در بیش از دوسوم بندهای گفتمان رضاشاه تجربه وی از دنیای خارج از ذهن او را نشان می‌دهند. تحلیل‌ها نشان داد که وی ضمن توصیف وضعیت جامعه، مخالفین حکومت خود و حامیان‌شان را تهدید به سرکوبی می‌کند. آنچه که به‌طور بارز در گفتمان وی به چشم می‌خورد، موضع «من» در مقابل «شما» است. «من» در بسیاری از بندهای سخنرانی‌ها و پیام‌های رضاشاه مسئولیت اصلی پیام را بر

عهده داشته‌است. «من» همواره در طی گفت‌وگوها صحبت از «باید»ها و «نباید»ها می‌کند، انتظارات و خواسته‌های خود را به «شما» گوشزد می‌نماید؛ خود را منجی «شما» و رهایی‌بخش آنها از بدبختی و فلاکت رژیم گذشته و پیام‌آور خوشبختی، سعادت و رفاه و آسایش معرفی کرده و مخاطب خود را از عاقبت هرگونه خیانت و همکاری با خائنین برحذر داشته و مجازات آنها را مرگ بر می‌شمارد. در حقیقت، این همه تلاش رضاشاه در ۹۰ درصد از بندهای متن و در قالب سه فرایند اصلی ساخت‌گذاری و با به‌کارگیری ۶۲ مورد زمان مضارع التزامی، گفت‌وگو را تبدیل به عرصه قدرت‌نمایی در مقابل «شما» نموده‌است.

بنابراین، گفت‌وگو رضاشاه را می‌توان حامل مؤلفه‌های منحصربه‌فردی چون «رویه تنبیهی»، «تکلیف»، «خشونت‌طلبی»، «با ما یا بر علیه ما»، «ناشکیبایی و حذف» و «انحصارگرایی» دانست. بررسی گفت‌وگو وی حاکی از این مطالب است که مخاطب یا باید در کنار رضاشاه باشد یا بر علیه او محسوب شده، که در اینصورت سخت‌ترین تنبیه، یعنی حذف (مرگ) برای او در نظر گرفته شده است. رویه انحصارگرایانه رضاشاه، نشان می‌دهد که هر که را که او تشخیص بدهد، مخالف و خائن نامیده شده و محکوم به نیستی خواهد بود. در واقع، این رویه رضاشاه در پیش‌برد گفت‌وگو، نمودی سلطه‌طلبانه دارد که جهت قدرت را از بالا به پایین می‌نماید. به عبارت دیگر، گفت‌وگو وی را می‌توان گفت‌وگویی «قدرت‌گرا و آمرانه» توصیف نمود که همواره به دنبال دیکته کردن سلطه خود، به عنوان «فرمانده»، به «شما»، به عنوان «فرمانبر»، است.

- مشروعیت‌طلبی و مشروعیت‌زدایی در گفت‌وگو پهلوی اول

وبر (۱۹۶۸) معتقد است که مشروعیت بر ایدئولوژی استوار است و از مردم اطاعت می‌طلبد. به عقیده وی قدرت تنها زمانی موثر است که مشروع باشد. یافته‌های بدست‌آمده از تحلیل گفت‌وگو رضاشاه مبین وجود باورهای زیر در متن گفت‌وگو وی است:

- ارباب مخالفین و خائنین از هرگونه مخالفتی با حکومت و سرکوبی و حذف به عنوان

جزای نهایی

- فردگرایی در تفسیر از قانون: الزام مردم به پذیرش جانشین خود و قانونی دانستن آن

- منجی ارزش‌های فرهنگی و پایبندی به مذهب: فرمان کشف حجاب سرآغاز

بازپس‌گیری حقوق تضییع شده بانوان

آنچنانکه پیداست، حکومت رضاشاه به دلیل غیرقانونی بودن و عدم انتخاب براساس مولفه‌های یک حکومت مردم سالارانه و عدم سازگاری با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی قادر به تأمین رضایت عمومی نگردید. در واقع، از آنجاکه حکومت رضاشاه نه موروثی بوده، نه خود چهره‌ای محبوب در نزد عامه مردم بوده و نه براساس انتخابات بر مسند قدرت تکیه زده، لذا منطبق بر هیچکدام از انواع مشروعیت‌های مدنظر وبر نبوده و در نتیجه حکومتی «نامشروع» داشته است که سرانجام، همانطور که وبر در مورد چنین حاکمیت‌هایی پیش‌بینی کرده بود، به اضمحلال و نابودی کشیده شد. رژیم پهلوی به دلیل ناسازگاری و عدم انطباق با قواعد اجتماعی، ناتوانی در توجیه قواعد قدرت از طریق ارجاع به باورها و اعتقادات مشترک و ناکارآمدی در جلب رضایت مردم دچار ضعف مشروعیت گردیده و زمینه‌های بی‌ثباتی آن ارمغانی برای حکومت پهلوی دوم بود. در نهایت، از آنجاکه تمام تلاش رضاشاه معطوف به القای ایدئولوژی‌های خاص خود به مردم بوده و هدف اصلی وی کسب مشروعیت برای سلطنت خود و نه برای حکومتی مردمی بوده است، مشروعیت وی، بر پایه آنچه که ون‌دایک (۲۰۰۱: ۴) معتقد است «مشروعیت منفی» تلقی. بنابراین، گفتمان پهلوی اول را می‌بایست به نوعی گفتمان «مشروعیت‌نما» دانست.

- بازنمایی نابرابری‌های اجتماعی در گفتمان رضاشاه

نابرابری یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است. براساس آنچه از وبر در بخش چارچوب نظری پیرامون مفهوم نابرابری اجتماعی مطرح گردید، بارزترین مصادیق نابرابری اجتماعی مطرح در گفتمان رضاشاه عبارتند از:

- الزام به کشف حجاب در کشوری شیعه با پیشینه مذهبی درخشان
- الزام مردم به پذیرش جانشین خود و محرومیت آنان از حق انتخاب رهبری جامعه
- اجبار همگان به پیروی از حکومت خود و ارباب آنان از عقوبت مخالفت با حکومت
- فراهم آوردن اسباب آسایش و رفاه مردم بر طبق معیارها و ملاک‌های «خود» نه «مردم»
- براین اساس، شاید به جرئت بتوان گفت که «فردگرایی»، «فقدان عدالت دینی و مذهبی»، «خودکامگی» و «بی‌توجهی به محوریت رفتار عقلانی در مدیریت» و «محرومیت اجتماعی» همگی از مولفه‌های مطرح نابرابری اجتماعی در گفتمان پهلوی اول هستند. در واقع، گفتمان پهلوی اول صحنه تجلی نابرابری‌های اجتماعی است که سرانجام تبدیل به

اعتراضات جامعه بر علیه دودمان پهلوی شد و آن نظام شاهنشاهی را تا سرنگونی کامل پیش برد

در ادامه می‌توان نتایج حاصل از تحلیل پیکره را در ذیل چند نکته مهم خلاصه نمود:

- تحلیل فرانش اندیشگانی گفتمان رضاشاه حاکی از سهم ۹۰ درصدی سه فرایند اصلی مادی، ذهنی و رابطه‌ای است، که در این میان سهم فرایند رابطه‌ای بیشتر از سایر فرایندها بوده است.

- بررسی فرانش بینافرادی نیز نشان از وجود مربعی متشکل از «من»، «شما»، «قشون» و «حکومت» در جایگاه فاعل دارد. بسامد بالای ضمیر «من» نسبت به «شما» نشان از تلاش رضاشاه برای حفظ فاصله قدرت بین خود و مخاطب خود است. در این میان «قشون» به عنوان قهرمان عاملی برای ایجاد امنیت و آسایش مردم است. همچنین، بسامد بالای مضارع التزامی در مقایسه با دیگر زمان‌های دستوری حاکی از لحن آمرانه گفتمان رضاشاه داشت.

- مسئولیت اصلی پیام‌های مطرح در بندهای گفتمان رضاشاه بر دوش آغازگر مبتدایی با فراوانی ۶۷,۱۲٪ گذاشته شده است که از این میان ۹۰,۷۳٪ از آغازگرها بی‌نشان بوده‌اند.

- تحلیل ۴۶۵ مورد از عناصر انسجامی موجود در گفتمان رضاشاه، نشان می‌دهد که عناصر دستوری با ۵۲,۸۸٪ بیشترین سهم را در این میان دارند که از این میان عامل پیوندی با ۱۸,۲۷٪ بیشترین سهم را داشته که نشان از تلاش رضاشاه برای جلوگیری از انقطاع کلام در ذهن مخاطب دارد. عنصر حذف هم با کوتاه کردن فواصل بین پیام‌ها باعث انسجام بیشتر در کلام وی شده است. نتایج تحلیل پیکره جمع‌آوری شده در چارچوب دستور نقش‌گرای هلیدی-متیسن (۲۰۱۴) و بازنمایی سه مفهوم قدرت (اقتدار)، مشروعیت و نابرابری‌های اجتماعی مشخص نمود که گفتمان رضاشاه از موضع قدرت، مشروعیت‌نما و سرشار از مولفه‌های نابرابری اجتماعی است.

در پایان ذکر سه نکته ضروری به نظر می‌رسد:

- اشاره رضاشاه به پای‌بندی به اصول دیانت و اسلام و تلاش وی در راستای تشدید مبانی آن در پاره‌ای از بخش‌های گفتمان وی، با ویژگی دین‌گریزی و اسلام‌زدایی وی

(سعیدی، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران) نشان از دو چهره متفاوت از وی در مواجهه با مردم دارد.

- نکته دوم نیز بیسواد بودن وی است که با توجه به گفتمان صریح وی و بهره‌گیری از عناصر واژی-دستوری در آن هر مخاطبی را به تامل در این دوگانگی وا می‌دارد.
- نکته آخر نیز تفاوت‌های سبکی (گفتاری-نوشتاری) است که پژوهش‌گران این مطالعه به دلیل کمی تعداد سخنرانی‌های کامل به جای مانده از رضاشاه در خطاب به مردم از آن چشم‌پوشی نمودند که خود می‌تواند موضوع پژوهشی دیگر در آینده باشد.

کتابنامه

- احمدی، محمدهادی، (۱۳۹۰)؛ تحلیل نقش‌گرایانه گفتمان استادان آموزش زبان انگلیسی؛ پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ارژنگ، غلامرضا و صادقی، علی‌اشرف، (۱۳۶۱)؛ دستور سال چهارم آموزش متوسطه عمومی؛ تهران: فرهنگ و ادب.
- ایرانزاده، نعمت‌الله و مرادی، کبری، «بررسی شعر «یادداشت‌های درد جاودانگی» قیصر امین‌پور بر اساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند»، نشریه متن پژوه ادبی، شماره ۶۵/دوره ۱۹، ۱۳۹۴: ۷-۲۲.
- بازوبندی، حسین و مرادصحرایی، رضا، «تحلیل فرائقش بین‌فردی در نص و نقش آن در قرآن»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۳/دوره دوم، ۱۳۹۴، ۱-۲۵.
- البصری، علی، (۱۳۵۰)؛ یادداشت‌های اعلی‌حضرت رضاشاه کبیر در زمان ریاست الوزرایی و فرماندهی کل قوا؛ شهرام کریملو، تهران: چاپخانه شاهنشاهی.
- بهار، محمدتقی، (۱۳۵۷)؛ تاریخ احزاب سیاسی ایران؛ تهران: امیرکبیر.
- پیرایش، سیده ساره، (۱۳۹۱)؛ تحلیل گفتمان متون رادیویی بر پایه نظریه نقش‌گرای هلیدی؛ پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- حاجبانی، ابراهیم و پاک‌سرشت، سلیمان، «بررسی تجربی الگوهای مشروعیت سیاسی در بین طبقه متوسط شهری ایران»، تحقیقات علوم اجتماعی ایران، شماره ۱/سال اول، ۱۳۸۷، ۵۰-۶۷.
- خیرآبادی، رضا و زعفرانلو کامبوزیا، عالییه، «بررسی تبلیغات مطبوعاتی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند»، به کوشش ژینوس شیروان، ارسلان گلفام، یحیی مدرسی و فروغ کاظمی، (۱۳۹۳)، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس زبان‌شناسی نقش‌گرا، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ۵۵-۷۱.
- دبیرمقدم، محمد، «مجهول در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، شماره ۳، ۱۳۶۴، ۳۱-۴۶.

دستجردی کاظمی، مهدی، (۱۳۸۸)؛ توصیف گفتار دانش‌آموزان پایه اول دبستان بر اساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی؛ پایان‌نامه منتشرنشده دکتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

دیانتی، معصومه، (۱۳۹۱)؛ بازنمایی برخی ساخت‌های دستوری و گفتمانی در گفتار کودکان ۳ تا ۵ ساله فارسی‌زبان شهرستان گلپایگان، پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

رستمی، محمد، (۱۳۸۲)؛ تحلیل گفتمان انتقادی پوشش خبری قتل‌های زن‌جیره‌ای؛ پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد در رشته ارتباطات، تهران: دانشکده علوم اجتماعی.

زاهدی، اردشیر، (۱۳۸۵)؛ خاطرات اردشیر زاهدی؛ تهران: کتاب‌سرا.

سعیدی، زهرا، (۱۳۹۵/۲/۱: ساعت ۱۵:۱۲)، «نگاه به شخصیت رضاشاه»، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران: <http://www.iichs.ir>.

ضیایی، محمدصادق، نرگسیان، عباس و کیامنفرد، منیژه، «تحلیل گفتمان انتقادی سخنان دولتمردان ایران و آمریکا در مشروعیت‌بخشی به دولتهای خویش: تحقیق موردی سخنان امام خمینی و جورج بوش»، مجله جهانی رسانه-نسخه فارسی، شماره ۱/دوره هفتم، ۱۳۹۱، ۶۵-۱۰۰.

طباطبایی، نازنین، «وضعیت اطلاعی سازه‌های جمله با ترتیب نشان‌دار»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، شماره ۱۱/سال ششم، ۱۳۹۵، ۱۳۳-۱۴۵.

طهماسب، امیر، (۱۳۵۷)؛ تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی؛ تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

عرب‌زوزنی، محمدعلی، پهلوان‌نژاد، محمدرضا و سیدی، سیدحسین، «بررسی ساختار وجهی خطبه جهاد نهج‌البلاغه بر اساس فرانقش بینافردی نظریه نقش‌گرا»، فصلنامه علمی-پژوهشی زبان‌پژوهی (دانشگاه الزهرا^(س))، شماره ۲۱/سال هشتم، ۱۳۹۵، ۷۹-۱۱۴.

فردوست، حسین، (۱۳۶۹)؛ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

فضائلی، سیده مریم و ابراهیمی، شیما، «تحلیل شبکه‌شناختی داستان هفت خوان رستم شاهنامه در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، شماره ۴/سال اول، ۱۳۹۳، ۱۱۹-۱۴۲.

فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۹۳)؛ پایان تاریخ و انسان واپسین؛ عباس عربی و زهره عربی، تهران: نشر سخن‌کده.

قدس، رضا، «ناسیونالیسم ایرانی و رضاشاه»، نشریه فرهنگ و توسعه، (مترجم: علی طایفی)، شماره

۲۳، ۱۳۷۵، ۴۹-۵۲.

لاینز، جی، (۱۳۹۱)؛ درآمدی بر معنی‌شناسی زبان؛ کورش صفوی، تهران: علمی.

مجیدی، ستاره، «ساخت اطلاع در زبان فارسی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند و دستور نقش و ارجاع»، دستور: ویژه‌نامه فرهنگستان، شماره ۷، ۱۳۹۰، ۱۸۳-۲۰۸.

مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۹۳/۶/۲۶)، ساعت ۱۱:۰۸، «متن استعفانامه رضاشاه از سلطنت»، <http://www.cgie.org.ir>.

مشکوالدینی، مهدی، (۱۳۸۴)؛ دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)؛ تهران: سمت.

مکی، حسین، (۱۳۶۳)؛ تاریخ بیست‌ساله ایران؛ تهران: نشر ناشر.

نعمتی قزوینی، معصومه و ایشانی، طاهره، «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۱/سال بیستم، پیاپی ۷۴، ۱۳۹۴، ۱۲۰-۱۴۵.

ولدبیگی، عبدالشریف، «بررسی مفاهیم مشروعیت و کنش از دیدگاه ماکس وبر»، ماهنامه زمانه، شماره ۹۰، ۱۳۸۹، ۵۵.

- Alba-Juez, L. (2009); *Perspectives on Discourse Analysis: Theory and Practice*, Cambridge: Cambridge Scholars Publishing.
- Alvi, S. D. & Baseer, A. "An Investigation of the Political Discourse of Obama's Selected Speeches: A Hallidian Perspective", *International Journal of Humanities and Social Sciences*, Vol. 1, No. 16, 2011: 150-160.
- Cheong, Y. Y. (2004); *The construal of Ideational meaning in print advertisements in O'Halloran, K. L (Ed.), Multimodal Discourse Analysis-Systemic Functional Perspective*, London: Continuum.
- Chomsky. N. (1985); *Knowledge of Language: its nature, origin and use*; USA: Convergence Sciences.
- Eggs, S. (2004); *An introduction to systemic functional linguistics (2nd ed.)*; London: Bloomsbury Academic.
- Halliday, M. A. k. and Matthiessen, C, (2004); *An Introduction to Functional Grammar (3th edition)*; London: Arnold.
- Halliday, M. A. k. and Matthiessen, C, (2014). *An Introduction to Functional Grammar (4th edition)*; London: Arnold.
- Halliday, M.A.K. & James, Z.L. (1993); *A quantitative study of polarity and primary tense in the English finite clause*. In: Sinclair, J.M., Hoey, M. & Fox, G. (eds); *Techniques of description: spoken and written discourse (A Festschrift for Malcolm Coulthard)*. London and New York: Routledge. 32-66.
- Halliday, M.A.K. "Categories of the theory of grammar", *Word*, Vol. 17, No. 3, 1961: 242-292.
- Harris, Z. "Discourse Analysis", *Language*, Vol. 28, No. 1, 1952: 1-30.
- Noor, M, Ali, M, Muhat, F, & Kazemian, B, "Systemic Functional Linguistics Mood Analysis of the Last Address of the Holy Prophet (PBUH)", *International Journal of Language and Linguistics*, Vol 4, No.1, 2016: 1-9.
- Salkie, Raphael, (1995); *Text and Discourse Analysis*; London & New York:

- Routledge.
- Thompson, G. (2004); *Introducing Functional Grammar* (2nd edition); London: Arnold.
- Treimane, L. "Analyzing Parliamentary Discourse: Systemic Functional Perspective", *Kalbotyra*, Vol. 63, No. 2, 2011: 78-94.
- Van Dijk T. "What is political discourse analysis?" No. 11, 1997: 11-52.
- Van Dijk, T, (2001); *Critical Discourse Analysis*. In: Tannen, D. / Schiffrin, D. / Hamilton, H. (eds.): *Handbook of Discourse Analysis*; Oxford: Blackwell.
- Wattles, I. & Radić-Bojanić, B, "The Analysis of Online Debate- The Systemic Functional Grammar Approach", *Linguistics and Literature*, Vol. 5, No. 1, 2007: 47-58.
- Weber, M. (1968); *Economy and Society*; New York.
- Widdowson. H.G, (2000); *Linguistics*; Shanghai: Shanghai Foreign Language Education Press.